

بررسی رفتار مودیان مالیاتی از طریق گونه شناسی بر اساس تحلیل روابط قدرت - اعتماد

رضا هاشمی

دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی، پردیس آزادی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

reza.hashemi.110@gmail.com

محمود نادری بنی

استادیار، دانشکده اقتصاد مدیریت و حسابداری، بخش مدیریت بازرگانی، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

m.naderi@yazd.ac.ir

مهدی سبک رو

دانشیار، دانشکده اقتصاد مدیریت و حسابداری، بخش مدیریت بازرگانی، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

msabokro@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

چکیده

هدف اصلی این پژوهش تعیین ساز و کاری به منظور کمی سازی و محاسبه نمره تمکین مودیان در مواجهه با مولفه های قدرت و اعتماد است. در پژوهش حاضر از روش پیمایش آمیخته (کمی و کیفی) به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. برای این منظور ابتدا از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با نخبگان حوزه اقتصاد به استخراج مقوله های اعتماد و قدرت پرداخته و در ادامه با استفاده از نتایج بخش کیفی به طراحی پرسشنامه کمی مبادرت گردید، سپس از مجموع مودیان مالیاتی مراجعه کننده به ادارات امور مالیاتی کل کشور تعداد ۱۰۰۵ نفر بصورت تصادفی انتخاب و اطلاعات از طریق پرسشنامه کتبی گردآوری شد. که بعد از انجام روایی صوری با کمک کارشناسان، پایایی نیز به کمک آلفای کرونباخ تأیید گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از آمار استنباطی و تحلیل فراوانی میانگین استفاده شد. نتایج تحلیل حاکی از آن بود که میانگین قدرت و اعتماد عدد بسیار بالایی ندارد (به ترتیب ۳/۶۳ و ۳/۳۴ از ۵ نمره)، پس می توان اظهار داشت که اعمال قدرت دستگاه مالیاتی و نیز اعتماد به آن دستگاه در راستای هدف پرداخت مالیات کم بوده که این مهم منجر به کاهش تمکین مودیان در برابر مالیات خواهد شد. لذا در انتها راه کارهایی به منظور بهبود نمره تمکین، به عنوان مهمترین رفتار تعاملی افراد با سازمان امور مالیاتی ارائه می گردد. در این پژوهش برای اولین بار در ایران مودیان سازمان امور مالیاتی با ویژگی های مشترک در پنج گونه شناسایی و دسته بندی شده اند که علاوه بر اعلام شاخص های هر گونه به تشریح علل جایگاه مودی و اقدامات لازم برای ارتقا آنان نیز پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: قدرت، اعتماد، رفتار مودیان، تمکین در برابر مالیات، مودیان مالیاتی، گونه شناسی.

۱- مقدمه

دولت‌ها درآمدهای خود را از راه‌های مختلفی از جمله درآمدهای حاصل از صادرات مواد خام و فراوری شده معدنی، سوخت‌های فسیلی، خدمات، کالاهای دارای ارزش افزوده و نیز وصول مالیات می‌توانند تأمین کنند. اهمیت هر یک از این منابع به میزان توسعه یافتگی در این جوامع و دیدگاه دولتها به منابع درآمد و زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بستگی دارد. مالیات به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد، همواره مد نظر همه دولتها بوده است. اهمیت مالیات بدان جهت است که مالیات علاوه بر منبع درآمد می‌تواند به عنوان ابزار اصلی سیاست‌های مالی و تأمین عدالت اجتماعی مورد استفاده دولتها قرار گیرد. یکی دیگر از برتری‌های مالیات نسبت به سایر منابع درآمد دولتها (به خصوص در مورد دولتهایی که منبع اصلی درآمدشان، درآمدهای نفتی و سوخته‌های فسیلی و معدنی است) آن است که مالیات، منبعی پایان‌ناپذیری باشد. یافته‌های علمی نشان دهنده اهمیت و تأثیر بالای مالیات بر تقاضای نیروی کار و بازار کار متناظر آن می‌باشد (لی یو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). اما متأسفانه عده‌ای از مردم از پرداخت مالیات سرباز می‌زنند و دلایل متعددی منجر به سرپیچی از قانون در پرداخت مالیات شده است: می‌توان به تبعیض در دریافت مالیات، نامشهود بودن آثار درآمدهای مالیاتی در جامعه، عدم وجود شفافیت از محل خرج درآمدهای مالیاتی، وجود فرار مالیاتی گسترده از سوی عده‌ای و مواردی از این دست اشاره کرد. از همین رو انگیزه مردم برای پرداخت مالیات کاهش یافته است (باریکانی، ۱۴۰۰). مبحث اصلی مالیات و مالیات ستانی بحث میزان و نحوه تمکین مودیان در برابر آن یا همان پرداخت داوطلبانه است. در رویکرد سنتی پرداخت مالیات، عوامل همچون دفعات رسیدگی و نرخ جرائم مالیاتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده تمکین مالیاتی شناخته می‌شوند، در حالی که بر مبنای چارچوب شیب لغزان، علاوه بر عوامل فوق، اعتماد و قدرت مشروع نیز نقش تعیین‌کننده در تمکین مودیان در برابر مالیات دارند (کرچلر^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). هر دو رویکرد سنتی و مدرن وعده حصول نمره تمکین بالا را می‌دهند، البته یکی از طریق اعمال قدرت و دیگری از طریق تقویت اعتماد. ممکن است خروجی رفتار مودیان در هر دو رویکرد مشابه باشد و در هر دو مورد مودیان مالیاتشان را پرداخت کنند اما کیفیت بنیادی تمکین مالیاتی متفاوت می‌باشد. در مورد اول (اعمال قدرت) پرداخت مالیات اجباری بوده و در مورد دوم داوطلبانه می‌باشد. سه عنصر عدالت، شفافیت، پاسخگویی نیز نقش برجسته

ایدر میان سایر شاخص‌ها در تدوین و ارائه الگوی مطلوب مالیات ستانی دارند. همچنین حجم سازمان، گستردگی و بوروکراسی حاکم بر نظام اداری کشور به عنوان چالشی بنیادین و عمومی و نیز وجود قواعد متعارض یا نبود قواعد درخور و به روز، عدم درک صحیح از فرهنگ پرداخت مالیات و ... در تضعیف نظام شایسته ضمانت اجرای مالیات ستانی مؤثر می‌باشند (عامری و همکاران، ۱۴۰۰). البته در انجام این مهم مشکلات عدیده‌ای از جمله در زمینه قوانین دیده می‌شود. در ارتباط با میزان تمکین مودیان عوامل مختلفی مؤثر می‌باشند. به عبارت دیگر، میزان و نحوه تمکین مودیان متأثر از موارد متعددی است. به عنوان مثال، کارآمدی قوانین و مقررات، نیروی انسانی کارآزموده و نیز نحوه تعامل ایشان با مودیان از عوامل تأثیرگذار بر تمکین مودیان است، اما در سطحی بالاتر فرهنگ عمومی جامعه نیز ارتباط تنگاتنگی با این مقوله دارد به نحوی که حتی در حالت ایده آل (وجود قوانین و مقررات مالیاتی و دستگاه مالیاتی مطلوب) چنانچه فرهنگ عمومی جامعه در خصوص مالیات مطلوب نباشد تمکین مالیاتی به ویژه تمکین داوطلبانه در وضعیت مناسب قرار نخواهد گرفت (وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۴۰۰).

در کشورهای که زیرساخت‌های فرهنگی مستحکم شده و اطلاعات لازم به عموم مردم و مودیان در موعد مقرر داده شده و موارد مصرف مالیات به آن‌ها اعلام می‌گردد تمایل و استقبال مودیان در امر پرداخت مالیات روبه فزونی گرفته است (مجیبی فر، ۱۳۹۰). اصل اعتماد به مودی و افزایش اعتماد ما بین دستگاه مالیاتی و اقشار و اصناف مختلف جامعه، جزء لاینفک مالیات ستانی است که باید مورد توجه مسئولین و دولت مردان باشد. در کشور ایران نیز چندسالی است که براساس استانداردهای جهانی و تجارب کشورهای موفق، به این ارکان مهم توجه شده و با بررسی‌های کارشناسی صورت گرفته، اقدامات درخور توجهی در این رابطه انجام گرفته است. اصلاح قانون مالیات از مهمترین این برنامه‌ها محسوب می‌شود و در همین رابطه میتوان به چند اقدام که باهدف تعامل بامودیان مالیاتی و افزایش میزان اعتماد آن‌ها به دستگاه مالیاتی با اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم صورت گرفته است اشاره کرد. اعمال نرخ صفر مالیاتی برای برخی از فعالیتهای توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی، معافیت‌های مالیاتی پیش بینی شده در قانون مالیات‌ها، یکسان سازی نرخهای مالیاتی، الکترونیکی کردن فرایند دریافت اظهارنامه مالیاتی و پرداخت مالیات، ایجاد تسهیلات به منظور رفاه مودیان در خصوص پرداخت مالیات به صورت اقساطی و نیز

^۱. Liu^۲. Kirchler

در اولویت سازمان می باشند؟! اینها بخشی از سوالات و ابهاماتی است که ما در پی پاسخ به آن در این پژوهش می باشیم. پس از انجام این دسته بندی، حال مدیران ارشد سازمانی چشم اندازی روشن نسبت به آنچه پیشروی خود دارند و آنچه را که بایدانجام دهند تا بتوانند سرانجام به روابطی مستحکم، مثبت و پایدارتوأم با اعتماد بامؤدیان خوددست یابند را مشاهده می کنند.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت عمومی در پرداخت مالیات از جمله اهداف بنیادین تمامی سیستم‌های مالیاتی بوده است. حرکت به سوی مدیریت تمکین داوطلبانه رهیافتی است که به انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی شهروندان توجه نموده و پیش از وقوع عدم تمکین، زمینه‌های آن را شناسایی نموده و اصل را بر پیشگیری قرار می‌دهد (قرنجیک و همکاران، ۱۳۹۹). پرداخت مالیات وظیفه هر فردی است که در ابتدایی‌ترین حالت، مؤدیان مالیاتی صرف نظر از مشوق‌هایی که دستگاه مالیاتی برای آن‌ها در نظر گرفته است، وظایف مالیاتی خود را انجام می‌دهند در سطوح بعدی برخی از مؤدیان نیز به دلیل جلوگیری از ضررهای بیشتر مربوط به عدم پرداخت مالیات در آینده و یا داشتن احساس شهروندی دست به پرداخت به موقع مالیات می‌زنند. فرآیند پرداخت مالیات بستگی به شدت و یا ضعف انواع محرک‌های مالیاتی دارد. فرضیات قبلی حاکی از آن است که پرداخت مالیات همیشه برای مؤدیان یک امر نامطمئن تلقی شده است. البته بسیاری از مطالعات (خارج از کشور) نشان می‌دهد که تمایل به پرداخت مالیات در میان مؤدیان زیاد است. اگرچه برخی مؤدیان اعتقاد دارند که دولت‌ها مالیات دریافتی را به درستی هزینه نمی‌کنند اما با توجه به جنبه‌های قانونی عدم پرداخت مالیات و الزامات قانونی موجود ترجیح مودیان بر پرداخت مالیات برای در امان ماندن از جرائم عدم پرداخت می‌باشد (گنگل^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). چارچوبی که در این پژوهش به دنبال بررسی آن هستیم با هدف گونه شناسی مودیان و تعیین جایگاه درست آنان به بررسی رفتار مؤدیان مالیاتی در یک بازه رفتاری که یک‌سوی آن مخالفت (نیاز به قدرت) و سوی دیگر آن همکاری (نیاز به اعتماد) است، اشاره دارد. در حالت اول مؤدیان و حسابرسان رفتاری متخاصم علیه یکدیگر را دنبال می‌کنند درحالی‌که در حالت دوم با یکدیگر همکاری متقابل دارند. درواقع رفتار متخاصم شبیه به رفتار دزد و پلیس است که حسابرسان، مؤدیان را دزدان فراری تصور کرده که ممکن است هر لحظه دست به خلاف زده و از این رو بایستی همیشه مورد بررسی قرار گیرند از طرفی دیگر

درنظرگرفتن بخشودگی جرائم مالیاتی و توافق با اصناف وامضای تفاهم نامه با اتحادیه‌ها، اقدام مهم دیگری است که درسالهای اخیر برمبنای اعتماد به مؤدیان و درآمد اظهار شده آن‌ها پایه ریزی شده است (همان). تمامی این اقدامات با رویکرد افزایش تعامل و تفاهم بین سازمان مالیاتی و مردم به وقوع پیوسته و همگی در راستای تسهیل و تسریع انجام امورمالیاتی و جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی و احیاناً ایجاد تنش بین مامورین مالیاتی و مؤدیان می‌باشد. درمقایسه با دهه‌های قبل درحال حاضر تفکر مثبتی درمورد مالیات درمتن جامعه شکل گرفته که این امر، مرهون تلاشها و کوششهای مسئولین و دست اندرکاران درخصوص تعامل بیشتر با مؤدیان و گسترش فرهنگ مالیاتی می‌باشد (مجیبی فر، ۱۳۹۰). رویکردمشارکتی می‌تواند به بهبودنحوه تعامل مالیات‌دهندگان و مقامات مالیاتی کمک کند. ایجاد بسترمناسب جهت تحقق اهداف مالیاتی کشور و افزایش کارایی نظام مالیاتی بایدازجمله اهداف اداره امورمالیاتی باشد (سیگل^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). نکته دیگر افزایش کارایی سازمان امورمالیاتی است، که طی سال‌های تاسیس آن دستخوش نوساناتی بوده است تحقیقات نشان می‌دهند که اساس سیاست‌های مالیاتی اتخاذ شده نقش چندانی در افزایش درآمدهای مالیاتی نداشته، و افزایش درآمدهای مالیاتی تنها ناشی از رشد پایه مالیاتی است. همچنین تورم تنها در کوتاه‌مدت بر افزایش کارایی اثر داشته، و در بلندمدت مستقل از تغییرات تورم است. به علاوه مالیات‌های مستقیم نسبت به دوره‌های رکود و رونق انعطاف‌پذیری ندارند، و صرفاً مالیات بر کالاها و خدمات دارای رفتار موافق با دوره رکود و رونق است. (محمدی و درویشی، ۱۳۹۹) مجموع این عوامل همواره چالشی در جهت بهبود کارایی سازمان بوده اند. اما به لحاظ کاربردی، به نظر میرسد با اعمال یک روش صحیح و ساختارمند و تهیه و تبیین یک گونه شناسی معتبر و پایدار میتوان سازمان امورمالیاتی را در شناخت هرچه بهتر و دقیق‌تر جایگاه مؤدیان خودیاری کرد. منظور از شناسایی گونه‌های مودیان به طور مشخص نمایاندن جایگاه هر مودی در برابر سازمان امورمالیاتی می‌باشد، البته براساس آنچه از تحلیل بین رابطه قدرت و اعتماد حاصل میشود. اینکه یک مودی با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های خود در حال حاضر در کدام گونه جای می‌گیرد و آیا این جایگاه مورد رضایت سازمان می‌باشد؟ آیا مودی نیاز به اعتماد سازی دارد یا اعمال قدرت؟ کدام مورد از انواع قدرت و اعتماد برای او مناسب تر است؟ یا اینکه اساساً آیا گونه فعلی مودی قابل بهبود است؟ و یا اینکه برای بهبود مستمر جایگاه و موقعیت مودیان چه کارهایی

^۲. Gangl

^۱. Siglé

مؤدیان نیز احساس می‌کنند که همیشه حسابرسان در تعقیب آن‌ها هستند از این رو فرار را حق خود می‌دانند. در این شرایط اعتماد و احترام متقابل بین مودی و حسابرس در پائین‌ترین میزان خود قرار دارد و حداکثر فاصله اجتماعی نیز وجود دارد به طوری که مؤدیان حسن ظن کمی به حسابرسان خواهند داشت. در این حالت پرداخت داوطلبانه مالیات اندک بوده و مؤدیان روش‌های مختلف فرار مالیاتی را مدنظر دارند. در حالت دوم مؤدیان، حسابرسان را خادمین مردم تلقی کرده که خود نیز جز شهروندان همان جامعه‌ای هستند که مؤدیان در آن حضور دارند در این حالت رابطه بیشتر شبیه به رابطه خدمت‌گذار و مشتری است که در مدیریت جدید شهری این مفهوم گنجانده شده است. حسابرسان به دنبال شفاف‌سازی فرآیندها و رفتارهای محترمانه و حمایتگر از طرف مؤدیان هستند (فلد و فری^۱، ۲۰۰۵). با توجه به مطالب فوق و نیز پیشینه تحقیق می‌توان دو محور اساسی برای چارچوب انواع رفتارهای مؤدیان مالیاتی متصور شد. یک نوع آن حاصل قدرت اجبار حسابرسان مالیاتی است و دیگری حاصل اعتماد مؤدیان به حسابرسان است (کرچلر، ۲۰۰۷). در حالتی که حسابرسان باید از قدرت اجبار استفاده کنند، توانایی‌های لازم برای تشخیص اینکه کدام یک از مؤدیان در حال اجتناب مالیاتی هستند را باید داشته باشند تا در مرحله بعدی اجتناب مالیاتی را پیگیری کرده و مودی خاطی را مجازات نمایند. در مفهومی دیگر قدرت اجبار به معنی اعمال قانونی مالیات و تعریف ردیف بودجه‌ای برای این سری از فعالیت‌ها است. همکاری سایر مؤدیان در دادن گزارش‌ها مبنی بر اجتناب مالیاتی نیز جزئی از این اعمال قدرت محسوب می‌شود. در حالتی که اعتماد به حسابرسان موردنظر است، آحاد جامعه و گروه‌های اجتماعی توافق بر خوش‌نیتی حسابرسان دارند که مجموعه فعالیت‌های آن‌ها برای جامعه مؤدیان سودبخش خواهد بود (گنگل و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه حسابرسان می‌توانند هر دو حالت موردنظر را در بالاترین میزان استفاده کنند اما در هر صورت، در حالت قدرت اجبار، پرداخت مالیات اجباری و در حالت اعتماد پرداخت مالیات داوطلبانه است. در جایی که قدرت اجبار و اعتماد هر دو در سطح پائینی باشند، مؤدیان به وسیله اجتناب مالیاتی به دنبال حداکثر کردن منافع و درآمدهای خود بوده و به اصطلاح از دادن مالیات خودداری می‌کنند. با افزایش قدرت اجبار، میزان مالیات پرداختی هم افزایش می‌یابد اگرچه همچنان اعتماد در حد پائینی باشد. چرا که در این حالت فشارها و پیگیری‌های حسابرسان بیشتر شده و احتمال دریافت جریمه هم بیشتر می‌شود. در این حالت انگیزه مؤدیان برای فرار مالیاتی

هم کاهش می‌یابد چرا که هزینه‌های عدم پرداخت مالیات بیشتر از هزینه‌های پرداخت آن شده است. در حالتی که قدرت اجبار کم است اما اعتماد به حسابرسان چشم‌گیر باشد، تنها منجر به پرداخت داوطلبانه مالیات می‌شود. هر اندازه این اعتماد بیشتر باشد پرداخت مالیات نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه حسابرسان چه با افزایش اعمال قدرت و چه با افزایش اعتماد می‌توانند مالیات را از مؤدیان دریافت کنند (گنگل و همکاران، ۲۰۱۵). بالا بردن مشارکت عمومی نیز یک راه کار عملی در تقویت اعتماد و پرداخت داوطلبانه مالیات در سازمان است. عوامل مؤثر در افزایش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات عبارت از، نظام مالیاتی بهره‌ور دولتی، به سامانی امور مالیاتی، توسعه فرهنگ ملی مذهبی، نهادینه‌سازی عمومی امور مالیاتی، ویژگی‌های بوم شناختی مؤدیان مالیاتی، وضعیت خرد و کلان اقتصادی و یادگیری از الگوهای اثربخش بین‌المللی می‌باشد (قرنچیک و همکاران، ۱۴۰۰). آنچه بدیهی است برای یک سازمان امور مالیاتی ایده آل، مالیات‌ستانی با کمترین هزینه از طریق مودیانی است که مالیات مورد نظر را بصورت داوطلبانه پرداخت می‌کنند. این مهم تحقق نمی‌یابد مگر زمانی که مودیان از نمره تمکین بالایی در برابر مالیات برخوردار باشند. به نظر می‌رسد اساسی‌ترین گام در افزایش تمکین مودیان ابتدا شناخت ویژگی‌های آنان است. در این راه شناخت گونه‌های متنوع مودیان می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. اگر خیلی ساده به ماجرا نگاه کنیم، به طور کلی در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان مؤدیان مالیاتی را به دو قسمت تقسیم کرد.

۱- آنهایی که مالیات می‌دهند. ۲- آنهایی که مالیات نمی‌دهند. اگر پرداخت‌کنندگان مالیات را دو سر یک طیف بر روی یک محور فرض کنیم. می‌توان محور زیر را در نظر گرفت (شکل ۱).

مؤدیان تکلیفی ← مؤدیان خوش حساب مالیاتی

شکل ۱. دو سرطیف پرداخت‌کنندگان مالیات

مؤدیان خوش حساب: کسانی که مالیات مقرر و متعلق به خود را به صورت خوداظهاری در موعد مقرر پرداخت می‌نمایند. (حالت ایده آل یک مودی برای سازمان)

مؤدیان تکلیفی: کسانی که تمایل مشخصی به پرداخت یا عدم پرداخت مالیات نداشته، چرا که اصولاً اختیاری در پرداخت مالیات ندارند. این عده معمولاً قبل از اینکه چیزی عایدشان شود مالیات آن توسط اشخاص ثالث (معمولاً کارفرمایان) کسر و واریز

¹. Feld & Frey

می‌گردد. نمونه بارز آن مالیات بر حقوق کارمندان و کارگران است.

در یک طبقه بندی مشابه می‌توان طیف دیگری را نیز برای کسانی که مالیات پرداخت نمی‌کنند در نظر گرفت. دو سر این طیف را می‌توان به شکل زیر نشان داد (شکل ۲).



شکل ۲. دو سر طیف افرادی که مالیات نمی‌دهند

مؤدیان معاف از مالیات: بخش نسبتاً بزرگی از مؤدیان به موجب قانون از پرداخت مالیات به عناوین مختلف معاف می‌باشند. این گونه افراد مشمول مالیات با نرخ صفر می‌باشند. و در صورت رعایت کامل مقررات و شفافیت مالی و اقتصادی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند.

فراریان مالیاتی: این عده از افراد که به مفسدان اقتصادی نیز شهرت دارند، به نسبت تعداد بعضاً کم ولی به نسبت حجم فعالیت اقتصادی و گردش مالی، بسیار بالا می‌باشند.

البته واضح است که گونه‌های مختلف و متعددی در میان هر یک از دو طیف ارائه شده در قسمت قبل وجود دارد. ولی آنچه در این قسمت قابل ذکر است، این است که اساساً این نوع تقسیم بندی‌ها بر چه پایه و اساسی می‌تواند شکل بگیرد؟ و اساساً لزوم این تقسیم بندی‌ها چیست؟ در این تحقیق اساس گونه شناسی مؤدیان بر مبنای تحلیل روابط قدرت- اعتماد می‌باشد. تحقیقات گنگل و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد، قدرت و اعتماد یکدیگر را تقویت نموده و برهم تأثیر مثبت دارند. یعنی در هنگام اعمال قدرت اجبار آنچه مورد ظلم واقع می‌شود اعتماد است و در هنگام تقویت اعتماد نیز شاهد بروز نوع مشروع و پذیرفته شده‌ای از قدرت هستیم. شکل ۳ بخشی از رابطه بین این دو را نمایش می‌دهد.



شکل ۳. دو سر طیف قدرت و اعتماد

قدرت مرجع (کاربزماتیک)، معمولاً با سطح بسیار بالایی از اعتماد درگیر است، اساساً افراد در این نوع اعمال قدرت اعتدالاً

بالایی به رهبر یا مقام مربوطه دارند. اما آنچه در قدرت اجبار همراه با تهدید و زور وجود دارد، اساساً اعتماد حداقلی و یا در مواردی عدم اعتماد است، نمونه‌های آن در جوامع دیکتاتوری نمایان است. اساساً اعتماد رابطه مثبت و موثری در تقویت قدرت دارد. حال آنکه در برخی از انواع قدرت، مانند قدرت اجبار و تهدید که با خشونت همراه است، می‌توان گفت اعتماد چندانی به مقامات موجود نیست. لذا نقش مثبت به صورت تأثیر منفی ظاهر می‌شود، بنابراین به ناچار مقامات به افزایش قدرت اجبار و تهدید روی می‌آورند (موهلباخ^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). البته همانند دو طیف دیگری که به آن‌ها پرداختیم، اینجا نیز انواع مختلف اعمال قدرت در میان دو سر طیف قابل شناسایی می‌باشند. می‌توان با استفاده از تقسیم بندی‌های فوق و ارائه گونه شناسی‌های متناسب بر پایه قدرت- اعتماد به شناسایی انواع جو سازمانی نیز پرداخت (گنگل و همکاران، ۲۰۱۵). البته عکس این مطلب نیز قابل توجه و تأمل است. آنجا که جو موجود در سازمان نیز می‌تواند به ایجاد گونه‌های جدید یا تغییر گونه‌های موجود، منجر شود (گنگل و همکاران، ۲۰۱۵). یک مساله مهم که نباید از آن غافل شد تمایز بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات است. درست است که تشابه هردوی اینها به عدم پرداخت مالیات منجر می‌شود اما آنچه تفاوت دارد در فرار مالیاتی فرد قانون را نقض کرده و مالیات نمی‌دهد، قانونی که لزوماً دارای ایراد نیست و این اعمال قدرت سازمان است که دچار خدشه است ولی در اجتناب مالیاتی فرد از طرق کاملاً قانونی از پرداخت مالیات امتناع می‌نماید که این امر مستلزم اصلاح قوانین است. تحقیقات نشان می‌دهد که با جلوگیری و کاهش فرار مالیاتی، اجتناب از پرداخت مالیات نیز به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. (الستاستر^۲ و همکاران، ۲۰۲۲)

پیشینه پژوهش

قدرت؛ از دید هابز قدرت آدمی عبارت است از وسایلی که برای دستیابی به امر مطلوبی در آینده در اختیار دارد و طبیعی یا ابزاری است. قدرت طبیعی عبارت است از برتری قوای بدنی یا ذهنی، مانند توانمندی، آداب دانی، دوراندیشی، دانشوری، سخنوری، بخشندگی و نجات فوق العاده. قدرت‌های ابزاری آنهایی هستند که یا به واسطه‌ی همین قوا و یا به حکم بخت و اقبال به دست آمده و وسایل و ابزارهای رسیدن به قدرت بیشتر باشند. مانند ثروت، شهرت، دوستان و اعمال پنهانی خداوند که آدمیان آن را بخت نیک می‌خوانند (هابز^۳، ۲۰۱۰). نیچه قدرت را در کانون

³. Hobbes

¹. Muehlbacher

². Alstadsæter

دستگاه نظری پیچیده، نقادانه - و تا حدودی نامنسجم- خویش قرار داد. از دید نیچه نیز - همچون ماکیاولی- قدرت امری غایی بوده نه ابزاری. نیچه در آثار خود بر تمایز میان دو نوع از اخلاق پای می فشارد، و تلقی قدرت به مثابه ابزار را نشانه ی بارز اخلاق بندگان در نظر می گیرد. از دید او، اخلاق اربابان - که مورد ستایش وی نیز هست- بر پذیرش قدرت همچون امری غایی، و قبول آشکار مسئولیت نیرومند بودن دلالت می کنند. بر خلاف هابز و لاک که قدرت را دست مایه ای برای نیل به ارزش های اخلاقی، یا مخاطره های برای آن می دانند، نیچه قدرت را همچون نیرویی پویا و جنبان در نظر می گیرد که رها از قید قواعد اخلاقی همواره دگرگون می شود و قوانین اخلاقی را نیز تغییر می دهد (نیچه^۱، ۱۹۹۹). دیدگاه نیچه ای، از یک جنبه ی مهم با نگرش کلاسیک هابز و لاک و پیروان ایشان تفاوت داشت و آن هم باور به چند مرکزی بودن تعادلات قدرت بود. نیچه معتقد بود هر موجود جاندار برای تولید قدرت است و به همین دلیل این توانایی را دارد که نگاهی ویژه و تفسیری خاص از هستی را در درون خویش ایجاد کند. از دید نیچه، هستی زمینه ای است که بی شمار مرکز زایش نیرو در دل آن حضور دارند و به اندرکنش با یکدیگر مشغول اند. این مراکز، تصاویری از هستی را در دل خود بازنمایی می کنند که هم سیال و فرار و متغیر، و هم موهوم است. اما از صلابتی کافی برخوردار است تا بتواند تکیه گاه کردار قرار گیرد. نیچه این تفسیر ویژه ی هر موجود زنده از هستی را روح می نامید، و معتقد بود هر جاندار بر این مبنا از یک هستی روحی برخوردار است (وکیلی، ۱۳۸۹).

اعتماد؛ مفهوم اعتماد برای کلمن مفهومی محوری است. به نظر وی افراد برای این به کنش اجتماعی می پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده بستان های اجتماعی امکان پذیر است، بنابراین بده بستان ها و مبادله ها نقش اساسی در ساختن کنش های اجتماعی دارند. به نظر کلمن در هر رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو جزء وجود دارد، اعتماد کننده و اعتماد شونده و فرض بر این است که در کنش هر دو جزء هدفمند بوده و به دنبال ارضای نیازهای خود هستند. طرف اعتماد کننده باید تصمیم بگیرد که با دیگری وارد معامله و کنش شود یا نه (یعنی خطر را بپذیرد یا نه) و طرف اعتماد شونده نیز باید بین حفظ اعتماد و یا شکستن آن انتخاب کند. بنابراین یک رابطه مبتنی بر اعتماد، یک عمل دو جانبه است و بر مبنای اصل به حداکثر رساندن فایده تحت شرایط مخاطره قرار دارد (کلمن^۲، ۱۳۷۷). اقسام و سطوح گوناگون اعتماد، زیر بنای بسیاری از

تصمیمات روزانه ای است که همه ما در جهت دادن به فعالیت هایمان اتخاذ می کنیم. اما اعتماد کردن به هیچ وجه همیشه نتیجه تصمیم گیری های آگاهانه نیست. در اغلب موارد اعتماد کردن نوعی نگرش فراگیر ذهن است که شالوده تصمیم گیری های مذکور را تشکیل می دهد، چیزی که ریشه در پیوند اعتماد و رشد شخصیت دارد. ما می توانیم تصمیم بگیریم که اعتماد کنیم یا نکنیم. نگرش های اعتمادآمیز در خصوص وضعیت ها، اشخاص یا نظام های خاص، در سطحی عام تر، به طور مستقیم به امنیت روانی افراد و گروه ها مربوط می شود. اعتماد و امنیت مخاطره و خطر این پدیده ها در شرایط مدرنیته پیوندهایی با یکدیگر برقرار می کنند که به لحاظ تاریخی منحصر به فرد هستند. برای مثال، مکانیسم های از جای برکندن (گسست از زندگی و شیوه زندگی سنتی)، عرصه های گسترده امنیت نسبی در فعالیتهای اجتماعی روزانه را تسخیر می کنند. زندگی مردم در کشورهای صنعتی، و همچنین تا حدی در همه جای دنیا، امروزه در برابر آسیب ها و بلایای طبیعی محافظت می شود. از طرف دیگر خطر ها و مخاطرات تازه ای به واسطه همین مکانیسم های از جای برکندن خلق می شود که ممکن است محلی یا جهانی باشند. مواد غذایی حاصل از عناصر مصنوعی ممکن است عوارض مسموم کننده ای داشته باشند که در اکثر غذاهای سنتی دیده نمی شود. فجایع زیست محیطی ممکن است کل زیستگاه کره زمین را مورد تهدید قرار دهند. این تهدید می تواند اعتماد مردم به نظام ها و توانایی آنها جهت حفظ امنیت را دستخوش تغییر و تحول نماید. گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می برد. به گفته وی در جوامع مدرن تحت تسلط نظام های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد با فاصله گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت هایشان را می توان مستقیماً مورد بازنگری قرارداد نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می شود که در نتیجه فاصله گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده های اجتماعی نداشته باشیم (ریترز^۳، ۱۹۹۲). گاهی نیز این دل بستگی به محیط است که باعث بوجود آمدن اعتماد می شود که این امر اهمیت محیط تعامل، شرایط و ویژگی های آن را دوچندان می نماید (بنار و همکاران، ۱۳۹۷). البته باید در نظر داشت که یکی از اصلی ترین راه های ایجاد و افزایش اعتماد در افراد برآورده ساختن انتظارات آنها و ایجاد نوعی رضایت درونی است (سنجری و همکاران، ۱۳۹۹).

³. Ritzer

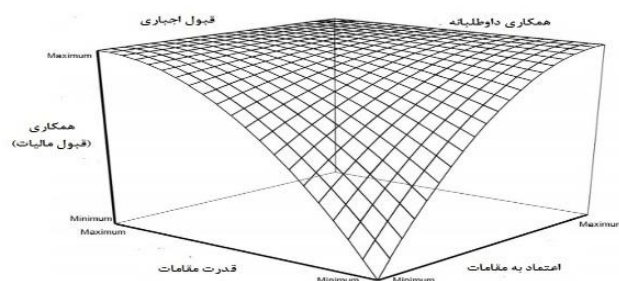
¹. Nietzsche

². Coleman

گونه شناسی براساس قدرت- اعتماد

دامایانتي و مارتونو^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به تاثیر قدرت و اعتماد به مقامات مالیاتی بر میزان تمکین مودیان مالیاتی در کشور اندونزی پرداخته اند، آنها در مقاله خود تصریح می کنند که اعتماد باید پیشگام تمکین مالیات باشد نه قدرت. این مطالعه با هدف بررسی چگونگی نقش اعتماد و قدرت در بهبود افزایش تمکین مودیان مالیاتی توسط چارچوب شیب لغزنده انجام شده است. روش جمع آوری داده ها در این تحقیق پیمایشی است. روش نمونه گیری چندمرحله ای است که ترکیبی از نمونه گیری تصادفی طبقه ای و نمونه گیری راحت است. داده ها از اکتبر ۲۰۱۵ تا آوریل ۲۰۱۶ جمع آوری شده است و ۲۴۲ پرسشنامه جمع آوری شد (۸۶.۴ درصد میزان پاسخ). با استفاده از آزمونهای رگرسیون چندگانه، نتایج این تحقیق نشان داد که اعتماد و قدرت هم به طور همزمان و هم هریک به تنهایی بر تعهد مالیاتی (تمکین در برابر مالیات) تأثیر میگذارد. براساس این تحقیق، قدرت تأثیر بیشتری نسبت به اعتماد به ایجاد تمکین مالیاتی دارد. این بدان معنی است که تمکین مالیاتی ایجاد شده در اندونزی، انعطاف پذیری اجباری است که از سیستم خود ابرازی که مبتنی بر تمکین داوطلبانه است، فاصله دارد. باترانسیا^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله خود به این نکته که بی ثباتی بازار اقتصادی جهانی ورقابت شدید در جذب سرمایه گذاریهای خارجی، مقامات اروپایی رابه بازنگری در تعامل بامودیان مالیاتی وا داشته است اشاره می کند. بنابراین، با بهره گیری از کمک های بین المللی، مقامات اجرای استراتژیهای مالیاتی ومدلهایی مانند انطباق تعاونی، نظارت افقی، سوت زدن را آغاز کرده اند. این تحقیق تجربی بر چارچوب "شیب لغزنده" استوار است که سعی در حل "معمای تمکین مالیات" از طریق اعتماد و قدرت مقامات دارد. اولی توسط "اعتماد به دولت ملی" (نظرسنجی جهانی گالوپ)، و دوم توسط "حاکمیت قانون" (بانک جهانی) تأمین

میشود. تجزیه وتحلیل خوشه ای دو مرحله ای در ۲۱۵ کشور در سراسر جهان، از جمله ۳۵ کشور از اروپا، ۱۲ نفر از خاورمیانه و شمال آفریقا، چهار وضعیت مالیاتی را به دست آورد: اعتماد و قدرت بالا (+T+P)، اعتماد و قدرت کم (-P-T)، اعتماد بالا با قدرت پایین (+P-T)، به قدرت کم قدرت اعتماد بالا (-T-P)، در حالی که اکثر کشورهای اروپایی بین (+T+P) و (-T-P) پخش شده اند، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به طور کلی متعلق به (-T-P) هستند و خواستار ثبات و کارایی در کلیه مناطق اصلی جوامع هستند. فیض^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه ای با هدف بررسی تأثیر عوامل شیب لغزنده بر تمکین مالیات پرداختند. یافته ها حاکی از آن است که اعتماد به مقامات تنها تأثیر معنی داری در تمکین مالیات دارد. در همین حال، نه قدرت قانونی و نه قدرت اجباری نمیتواند بر تمکین مالیات تأثیر بگذارد. تسیکا^۴ (۲۰۱۷) مانند تنی چند از پژوهشگران به استفاده از چارچوب شیب لغزنده پرداخت. وی به پیروی از این چارچوب فرض میکند که تمکین مالیات (یک فرد) هم توسط قدرت مالیاتی وهم از اعتبار آن توسط سازمان مالیاتی تعیین میشود و این دو بعد همدیگر را تعدیل میکنند. این مقاله با استفاده از تجزیه وتحلیل اثرات ثابت در داخل هر کشور، برای ۲۵ کشور اروپایی، این فرضیه را آزمایش می کند که یک شیب لغزنده نیز در سطح کل وجود دارد. نتایج نشان میدهد که اعتماد و قدرت با تمکین مالیات بالاتر همبستگی مثبت دارند. اعتماد و قدرت همچنین یکدیگر را تعدیل میکنند: هرچه اعتماد پایینتر باشد، تأثیر قدرت بر افزایش تمکین بیشتر میشود. اما، با افزایش اجبار، اثر مثبت کاهشی می شود. سیاست های بازدارندگی شدید نیز در نهایت ممکن است به تمکین در برابر مالیات آسیب برساند. کرچلر و همکاران (۲۰۰۸) به معرفی چارچوبی پرداخت که در آن جایگاه قدرت و اعتماد بر روی افراد و نیز تأثیر این دو مولفه بر تمایل آنها بر پذیرش کارها را مورد ارزیابی قرار داد. شکل زیر مدل کرچلر را نشان می دهد.



شکل ۴. چارچوب شیب لغزان (کرچلر و همکاران، ۲۰۰۸)

³. Faizal

⁴. Tsikas

¹. Damayanti & Martono

². Batrancea

همانطور که در چارچوب بالا نیز دیده می شود، با کاهش اعتماد به مدیران و مقامات یک سازمان و یا یک نهاد و همچنین کاهش قدرت آن مقامات و مدیران، همکاری مؤدیان نیز در قبول مالیات و پذیرش آن کاهش می یابد. گنگل و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله ای به بررسی تعامل مؤدیان و مقامات مالیاتی پرداختند. آن ها با توسعه چهارچوب شیب لغزان مقایسه کیفیت اعتماد و کیفیت قدرت و رابطه پویای ما بین آن ها را مورد توجه قرار دادند. آنچه از چهارچوب شیب لغزان مشاهده می شود دارای دو بعد است. بعد قدرت که در برگیرنده درک مؤدیان از میزان قدرت مقامات همچون، جریمه ها و میزان قدرت شناسایی فراریان مالیاتی می باشد. اما بُعد اعتماد شامل مبانی روان شناسانه بوده و در برگیرنده نتیجه تفکرات عمومی مؤدیان در رابطه با قوانین مالیاتی، میزان شفافیت آن ها و همچنین سادگی و سهولت شهری و پیروی از این قوانین می باشد. آن ها همچنین به این نتیجه رسیدند که قدرت و اعتماد تنها باعث ضعف یکدیگر نمی شوند و در مقاطع بسیاری می توانند همدیگر را نیز تقویت نمایند. گنگل و همکاران (۲۰۱۵) انواع قدرت و اعتماد را نیز به شرح ذیل شناسایی و تعریف کردند:

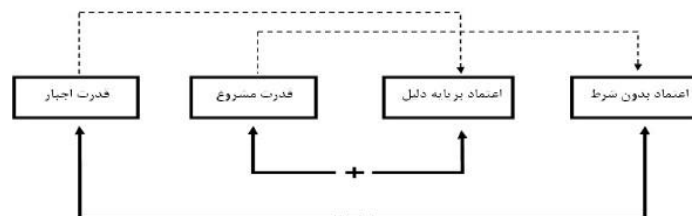
قدرت: قدرت اجبار، قدرت پاداش، قدرت قانونی، قدرت تجربه، قدرت مرجع و قدرت اطلاعات.

اعتماد: اعتماد منطقی و عقلانی، اعتماد بر مبنای دانش، اعتماد ضمنی، اعتماد بر مبنای شناخت، اعتماد مستحکم، اعتماد اجتماعی و اعتماد موثر.

آنان در یک دسته بندی کلی قدرت قانونی و قدرت اجبار و نیز اعتماد بدون شرط و اعتماد بر پایه دلیل را به منظور بررسی رابطه پویای قدرت و اعتماد در نظر گرفتند.

همانطور که در شکل ۵ نیز مشخص است، قدرت اجبار و اعتماد بدون شرط همدیگر را کاهش و قدرت قانونی و اعتماد بر مبنای دلیل یکدیگر را افزایش می دهند. همچنین در سطح دوم نیز قدرت اجبار از طریق قدرت قانونی به اعتماد بر مبنای دلیل مرتبط و آن را تحت تأثیر قرار می دهند. این ارتباط در مورد

قدرت قانونی و اعتماد بدون شرط از طریق اعتماد بر مبنای دلیل نیز برقرار است. پژوهشگران از این ارتباطات به ایجاد و دسته بندی انواع جو سازمانی، بهره بردند که در آن حرکت بین قدرت و اعتماد با تأثیر جو همکاری و انگیزش به منظور انجام امور نشان داده می شود. واضح است که مدیران برای خروج از موقعیت های فشار و تشنج آور باید از قدرت های یک طرفه و تهدید آمیز به سمت روابطی همراه با اعتماد حرکت نمایند. در مطالعات دیگری بررسی عوامل مؤثر بر تسهیل در پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتیمورد پژوهش قرار گرفت و مشاهده شد قوانین پیچیده با پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی ارتباط معکوس داشته و با متغیرهای توجه به منابع انسانی کارآمد، گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، آگاهی و به روز بودن اطلاعات مدیران، وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان و رعایت اصول تعیین مالیات با پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی ارتباط مستقیمی دارند (سنجرانی، ۱۴۰۰). در مطالعه ای دیگر شش عامل مؤثر بر تمکین مالیات دهندگان شامل: روحیه مالیاتی پرداخت کننده، پیچیدگی سیستم مالیاتی، نرخ های مالیاتی، حسابرسی مالیاتی، هنجارهای اجتماعی و ادراک انصاف شناسایی شدند. که بعد از تجزیه تحلیل نتایج بدست آمده تعداد چهار خوشه: مالیات دهندگان «بانگیزه بیرونی»، «متعهد اخلاقی»، «بانگیزه مالی» و «متعهد اجتماعی» استخراج شدند که مودیان با ویژگی های مشابه در این خوشه ها جای گذاری شده است. به نظر میرسد خوشه اول و سوم بیشتر تحت تأثیر عوامل اقتصادی بوده اند، درحالیکه خوشه دوم و چهارم به طور قابل توجهی تحت تأثیر عوامل تعیین کننده روانشناختی قرار گرفته اند. با توجه به ویژگی های این خوشه ها زمان آن فرارسیده است که سیاستگذاران از استراتژی هایی استفاده کنند که تمکین داوطلبانه مالیاتی با حداقل هزینه را برای سیستم مالیاتی تحریک می کند. (هانا و ویتزیچ^۱، ۲۰۲۲).



شکل ۵. رابطه قدرت و اعتماد (گنگل و همکاران، ۲۰۱۵)

¹. Hana and Vitezić

تمکین در برابر مالیات و فرار مالیاتی

مطابق آنچه که پیشتر اشاره شد، تمکین در برابر مالیات نقطه عطف سازمان امور مالیاتی در پیشبرد اهداف خود می باشد و آنچه در برابر این مهم همواره مدیران سازمان مالیاتی را به چالش کشیده است مبحث فرار مالیاتی است. یافته ها نشان می دهد که جز دو مفهوم اقتصاد رفتاری سایر معیارهای اقتصاد رفتاری همچون اثر مالکیت، حسابداری ذهنی، اثر لنگر و حساسیت به انصاف و... به نحو مطلوبی میزان تمایل افراد را به پرداخت مالیات توضیح میدهد و لذا چنانچه دولت در وصول مالیات توجه ویژه ای به معیارهای اقتصاد رفتاری داشته باشد میتواند شاهد استقبال بیشتر مودیان هم در میزان مالیات پرداختی و هم در به موقع پرداخت نمودن آن باشد (عسگری و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به شیوع پدیده فرار مالیاتی و تنوع قابل توجه آن به لحاظ مبلغ و همچنین گستره آثار آن در سایر حوزه ها که می تواند بر ضرورت، اهمیت و کیفیت واکنش قانونی به آن، مؤثر باشد، تدوین و تصویب قانونی جامع و مانع که در تأمین اهداف مجازات و اصل تناسب، توفیق مطلوب یابد، ضرورت دارد (دانش شهری، ۱۴۰۰). همچنین میتوان بازیگران عرصه دستورگذاری، تدوین و قانونی سازی سیاست های مالیاتی را در چارچوب مراجع رسمی و غیر رسمی شناسایی نمود و عوامل مؤثر بر این فرآیند را در قالب مجموعه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و ارزشی طبقه بندی کرد. یافته ها نشان دهنده این است که به منظور طراحی و تدوین سیاست های مالیاتی کارآمد در کشور میتوان از راهبردهایی همچون مشارکت رسمی، بهبود جریان اطلاعات، مشارکت عمومی و رویکرد پایین به بالا در سیاست گذاری بهره برد (هراتی و همکاران، ۱۴۰۰). رفتار نامطلوب مأموران مالیاتی یکی دیگر از عواملی است که باعث از بین رفتن اعتماد مالیات دهندگان نسبت به دستگاه مالیات ستانی و به دنبال آن نقص در اجرای نظام کارآمد مالیاتی میشود (مطهری منش و همکاران، ۱۴۰۰). استفاده از تراکنشهای بانکی نیز هرچند نماد تشخیص مالیات به کمک پایگاه های اطلاعاتی است اما باید آن را نمودی از تقابل رازداری بانکی و شفافیت مالیاتی نیز به شمار آورد و لذا توسعه این ظرفیت در نظام مالیاتی ایران البته با تأکید بر روشهای عادلانه، ضروری است. پرسش اصلی این است که استفاده از این صلاحیت توسط سازمان امور مالیاتی در ایران دارای چه ابعاد حقوقی است (عبداللهی، ۱۳۹۹). در پژوهشی به شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در کسب و کارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور پرداخته اند. این تحقیق نشان می دهد مهمترین عوامل به ترتیب وزن و اولویت عبارتند از سیستم جامع اطلاعاتی، نیروی انسانی متخصص،

قانون مالیاتی، اعتماد، فساد اداری و بهبود فرهنگ مالیاتی (ثنایی پور، ۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر پژوهشگران به بررسی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی پرداختند، آنان متغیر "عادلانه و منصفانه بودن نظام مالیاتی" را با کسب بیشترین ضریب نزدیکی در رتبه اول و "جنسیت مؤدیان" با کمترین ضریب نزدیکی در رتبه های آخر قرار دارند (قرنجیک و همکاران، ۱۳۹۹). آنچه امروزه مورد توجه ویژه قرار گرفته و همواره نیز مورد بحث نخبگان و مدیران حوزه مالیاتی است توجه به این نکته است که با توجه به اینکه در حسابرسی بررسی کلیه اسناد مالیاتی واحدهای تجاری امکان پذیر نبوده و امروزه بررسی کلیه اسناد یک عمل غیر حرفه ای است، لذا حسابرسی مأموران مالیاتی مبتنی بر ریسک است (قلی و همکاران، ۱۴۰۰) در این روش هر مودی باتوجه به نمره ریسکی که برای سازمان دارد در جایگاه ویژه خود قرار گرفته تا در صورت لزوم و پریسک بودن مودی اسناد وی توسط افراد کاردان و با تجربه مورد رسیدگی قرار گیرد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش آمیخته (کمی و کیفی) به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. پیمایش روشی است که از طریق ابزارهای سنجش، اطلاعات در مورد نمونه آماری مورد نظر با دقت، سرعت و کارایی زیاد به دست می آید و می توان نتایج آن را به جامعه بزرگتر تعمیم داد. همچنین این پژوهش از نظر نحوه جمع آوری اطلاعات از نوع مقطعی است که در فاصله زمانی شش ماهه دوم سال ۱۳۹۹ به انجام رسیده و از این بابت که می خواهد وضعیت متغیرها را بررسی نماید از نوع پژوهش های میدانی به شمار می رود. بر این اساس پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات پژوهشی توصیفی از نوع پیمایشی است. ابتدا از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به استخراج مقوله های مربوط به اعتماد و قدرت پرداخته شده سوالات مصاحبه از نوع بازپاسخ بوده تا از زبان کارشناسان مفاهیم قدرت و اعتماد روشن شود، براین اساس تعداد ۱۶ نفر از نخبگان و صاحب نظران حوزه مالیاتی کشور به عنوان نمونه انتخاب شدند. مفاهیم و مقوله های مرتبط با قدرت و اعتماد در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در این پژوهش به طور کلی برای بخش اعتماد ۱۵۷ و برای بخش قدرت ۱۸۴ کد مستخرج نهایی در قالب ۲۳ مفهوم فرعی و ۹ مفهوم اصلی و ۲ مقوله دسته بندی شده است.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله های مرتبط با شرایط علی و شرایط زمینه ای

مقوله اصلی	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله اصلی	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
اعتماد	اعتماد سیستمی	عوامل سازوکاری اداره مالیات بر اخذ مالیات	قدرت قانون	قوانین مالیاتی	قدرت سازمانی مأمور مالیات
		شیوه های اعتمادسازی			خصایص شهروندی مودیان
		ویژگی های اعتماد		قدرت توجیه	ویژگی های دموگرافی مودیان موثر بر قدرت
		استراتژی های اخذ مالیات موثر بر اعتماد			عوامل موثر بر اخذ مالیات
	اعتماد ساختاری	ویژگی های مودیان موثر بر مالیات	قدرت	قدرت صلاحیت	اقدام به پرداخت مالیات
		عوامل کلان			روش های اخذ مالیات
	اعتماد فردی	ویژگی های مربوط به مأموران موثر بر مالیات			قدرت فردی مأمور
		ویژگی های دموگرافی مودیان موثر بر اعتماد			پیامدهای مالیات
	اعتماد کیفری (اعتماد متوسل به زور)	مدیران مالیاتی		قدرت بهربرداری	مشمولین مالیات
		استفاده از انواع اعتماد			مصارف مالیات
		عدالت مالیاتی		قدرت پیشگیری	استراتژی های اخذ مالیات موثر بر قدرت

منبع: داده های پژوهش

قالب پیش آزمون، استفاده شده است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش بیش از ۰.۷ بوده (معادل ۰/۸۶۸) و قابل قبول است. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از آمار استنباطی و تحلیل فراوانی میانگین استفاده شده است به این ترتیب که برای هر مودی به عنوان تکمیل کننده پرسشنامه با توجه به نحوه پاسخ به سوالات دوعدد مشخص گردیده است. عدد اول بیانگر نمره اعتماد مودی به سازمان وعدد دوم نیز نمره مودی در برابر قدرت سازمان امور مالیاتی میباشد. با توجه به اینکه برای هر بخش (قدرت و اعتماد) تعداد ۲۰ سوال در پرسشنامه طرح گردیده است و هر سوال نیز در یک طیف ۵ قسمتی از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طبقه بندی شده لذا برای هر سوال نمره مودی با توجه به پاسخ می تواند از یک تا پنج محاسبه شود (نکته مهم اینکه وضعیت مطلوب در سوالات پرسشنامه با نمره پنج شناسایی می گردد که این وضعیت با توجه به نوع سوال مطرح شده ممکن است کاملاً موافق یا کاملاً مخالف باشد). جهت سهولت محاسبات نیز در انتها نمره فرد در هر یک از دو بخش مذکور بصورت نمره از ۲۰ و نرمالایز شده تعیین گردیده است.

در بخش جامعه آماری نیز مودیان مالیاتی کل کشور مدنظر بوده که نامحدود در نظر گرفته شده است و تعداد ۱۰۰۵ نفر به عنوان نمونه به صورت تصادفی از مودیان مراجعه کننده به ادارات امور مالیاتی شهرهای مختلف (بیش از ۱۰ شهر در ۷ استان) شامل استان های تهران، آذربایجان شرقی و غربی، خراسان رضوی، فارس، اصفهان و همدان انتخاب گردیده اند. ملاک انتخاب استان و شهرهای مذکور حجم و تراکم بالای مودی و پرونده مالیاتی بوده است. همچنین این نقاط در برگیرنده تمامی انواع پایه های مالیاتی نیز می باشند. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه کتبی (برآمده از نتایج بخش کیفی پژوهش) انجام شده است. پرسشنامه حاوی تعدادی سؤال درباره متغیرهای مورد سنجش از جامعه مورد مطالعه بوده، این سؤالات با استفاده از تکنیک های خاص و نیز مقیاس ها به گونه ای ساخته می شود که بتوان اطلاعات مورد نظر را از جامعه یا نمونه مورد مطالعه گردآوری کرد. در این تحقیق برای تعیین اعتبار (روایی) پرسشنامه، از اعتبار محتوا استفاده شد. برای سنجش روایی محتوا از اساتید راهنما و مشاور و دیگر صاحب نظران و خبرگان حوزه اقتصاد، مالیات و صنعت در هردو بخش عمومی و خصوصی استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی سؤالات پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ برای ۳۰ نمونه در

یافته های پژوهش

بیشتر درامدشان هم بین ۲ تا ۵ میلیون است از این بین بیشتر آن ها مشمول پرداخت مالیات بودند. در نهایت بیشتر پاسخگویان بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه کار داشته اند. در جداول ۲ و ۳ نتایج تحلیل فراوانی میانگین ابعاد قدرت و اعتماد براساس سوالات پرسشنامه ها آمده است

طبق یافته های به دست آمده ۶۴/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۵/۲ درصد زن بوده اند همچنین بیشتر پاسخگویان بین ۲۵ تا ۳۵ سال سن داشتند و بیشترین مدرک تحصیلی هم دیپلم بوده است. بیشتر پاسخگویان در بخش خصوصی شاغل بوده اند که

جدول ۲. تحلیل آماری سوالات بخش اعتماد

ردیف	سوالات	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	موافق	کاملاً موافق	میانگین	انحراف معیار
اعتماد سیستمی	روشی که اداره مالیات به وسیله آن از من مالیات دریافت میکند، باعث کسرشان من میشود	۲۱۲	۱۸۸	۲۱۵	۱۷۵	۲۱۵	۲/۹۹	۱/۴۳
	تنوع در اخذ مالیات باعث تسهیل و سرعت بخشی فرآیند مالیات شده است	۱۳۵	۱۲۵	۲۴۵	۲۳۲	۲۶۸	۳/۳۷	۱/۳۵
	اداره مالیات از روشهای شفاف برای اخذ مالیات استفاده میکند	۳۰۲	۱۶۸	۲۳۵	۱۷۵	۱۲۵	۲/۶۵	۱/۳۸
	ارگانها و نهادهای مرتبط با مالیات به خوبی مدیریت میشوند	۲۶۵	۱۸۰	۲۴۰	۲۱۰	۱۱۰	۲/۷۲	۱/۳۴
	سیستمی کردن پرداخت مالیات باعث بهبود عملکرد ماموران شده است	۱۰۵	۱۱۰	۱۹۵	۳۲۵	۲۷۰	۳/۵۴	۱/۲۷
	پرداخت مالیات رابرای عامل حفظ نظام جمهوری اسلامی مهم میدانم	۱۰۰	۱۲۵	۲۰۰	۳۱۶	۲۶۴	۳/۵۱	۱/۲۷
	از نظر من ماهیت سیاسی دولت در پرداخت مالیات تأثیر دارد	۸۰	۱۵۵	۲۶۰	۲۸۰	۲۳۰	۳/۴۲	۱/۲۲
	حتی اگر مالیات به نفع من نباشد به عنوان ایرانی آنرا پرداخت میکنم	۱۵۰	۱۶۰	۱۷۰	۱۸۰	۳۴۵	۳/۴	۱/۴۶
	استفاده از الگوی مالیات کشورهای موفق خدشه ای به استقلال کشور وارد نمی کند	۹۰	۸۰	۲۲۵	۱۸۸	۴۲۲	۳/۷۶	۱/۳۱
	فرهنگ پرداخت مالیات و مبارزه با رانت در دولت نهادینه شده است	۲۹۰	۲۵۰	۱۸۰	۱۶۰	۱۲۵	۲/۵۸	۱/۳۷
اعتماد ساختاری	به نظر من شخصیت مامورین مالیات متناسب با شغل آنها است	۸۵	۱۳۵	۳۴۰	۲۷۷	۱۶۸	۳/۳	۱/۱۵
	رفتار ماموران مالیاتی محترمانه است	۸۰	۱۲۵	۲۰۵	۳۹۱	۲۰۴	۳/۵۱	۱/۱۷
	مامورین مالیات در هنگام استفاده از ضوابط سلیقه ای عمل نمیکنند	۱۷۹	۱۷۶	۲۴۰	۲۲۰	۱۹۰	۳/۰۶	۱/۳۶
	مامورین به قوانین مالیاتی اشراف دارند	۶۵	۱۹۰	۱۹۵	۲۶۰	۲۹۵	۳/۵۲	۱/۲۶
	اداره مالیات از افراد متخصص و با دانشی استفاده میکند	۱۰۵	۱۸۰	۲۴۰	۲۹۰	۱۹۰	۳/۲۷	۱/۲۵
	مودیان و ماموران مالیاتی درک متقابلی از هم دارند	۱۴۵	۲۲۰	۲۲۵	۲۸۵	۱۳۰	۳/۰۳	۱/۲۶
	دستگاه قضا و دادستانی مالیاتی بارشوه دهندگان برخورد قاطع دارد	۳۰۰	۱۴۰	۲۴۰	۱۵۰	۱۷۵	۲/۷۶	۱/۴۵
اعتماد فردی		۲۹/۹	۱۳/۹	۲۳/۹	۱۴/۹	۱۷/۴		
		درصد						

ردیف	سؤالات						کاملا مخالف	مخالف	بدون نظر	موافق	کاملا موافق	میانگین	انحراف معیار	
	افراد مالیات گریز(فراریان مالیاتی) به خوبی جریمه میشوند						فرآوانی	۳۴۵	۲۵۷	۱۶۸	۱۵۵	۸۰	۲/۳۷	۱/۳
							درصد	۳۴/۳	۲۵/۶	۱۶/۷	۱۵/۴	۸/۰		
	عدالت مالیاتی برای همه گروههای متخلف جامعه یکسان اجرا میشود						فرآوانی	۳۹۶	۱۶۴	۲۲۵	۱۵۰	۷۰	۲/۳۳	۱/۳۱
							درصد	۳۹/۴	۱۶/۳	۲۲/۴	۱۴/۹	۷/۰		
	سطح درآمد افراد، در حکم صادره نسبت به مالیاتگريزان (فراریان مالیاتی) تاثیری ندارد						فرآوانی	۱۶۹	۱۱۶	۴۲۵	۱۳۵	۱۵۵	۲/۹۹	۱/۲۴
							درصد	۱۶/۹	۱۱/۶	۴۲/۵	۱۳/۵	۱۵/۵		

منبع: داده‌های پژوهش

جدول ۳. تحلیل آماری سؤالات بخش قدرت

ردیف	سؤالات	کاملا موافق	موافق	بدون نظر	مخالف	کاملا مخالف	میانگین	انحراف معیار	
۱. قوانین مالیاتی	قوانین مالیاتی برای همه قابل فهم است	فرآوانی	۱۷۶	۳۰۹	۱۱۵	۲۴۵	۱۶۰	۲/۹	۱/۳۷
		درصد	۱۷/۵	۳۰/۷	۱۱/۴	۲۴/۴	۱۵/۹		
	قوانین مالیاتی به خوبی اجرا میشود	فرآوانی	۲۲۰	۳۲۰	۱۸۰	۲۰۰	۸۵	۲/۶۱	۱/۲۵
		درصد	۲۱/۹	۳۱/۸	۱۷/۹	۱۹/۹	۸/۵		
	اجرای صحیح قوانین مالیاتی باعث کاهش فرار مالیاتی شده است	فرآوانی	۱۷۵	۱۹۰	۲۲۵	۱۷۲	۲۳۳	۳/۰۹	۱/۴۱
		درصد	۱۷/۶	۱۹/۱	۲۲/۶	۱۷/۳	۲۳/۴		
قوانین پیش بینی شده در قانون مالیات ها پاسخگوی نیاز دستگاه مالیاتی است	فرآوانی	۸۵	۲۱۰	۳۱۵	۲۹۱	۱۰۴	۳/۱۱	۱/۱۱	
	درصد	۸/۵	۲۰/۹	۳۱/۳	۲۹/۰	۱۰/۳			
۲. نسبت به گذشته روشهای پرداخت آسانتر شده است	فرآوانی	۸۵	۱۳۰	۱۷۰	۲۶۸	۳۵۲	۳/۶۶	۱/۲۹	
		درصد	۸/۵	۱۲/۹	۱۶/۹	۲۶/۷			۳۵/۰
	اداره مالیاتی اطلاع رسانی به موقع ومناسبی دارد	فرآوانی	۸۰	۷۵	۱۶۵	۳۳۲	۳۵۳	۳/۷۹	۱/۲۲
		درصد	۸/۰	۷/۵	۱۶/۴	۳۳/۰	۳۵/۱		
	الکترونیکی شدن پرداخت مالیات نشانه صلابت مالیاتی کشور است	فرآوانی	۵۵	۱۰۵	۱۸۰	۳۷۵	۲۹۰	۳/۷۳	۱/۱۴
		درصد	۵/۵	۱۰/۴	۱۷/۹	۳۷/۳	۲۸/۹		
مشوق های پرداخت مالیات اثربخش بوده است	فرآوانی	۹۵	۱۴۰	۳۱۵	۲۴۸	۲۰۷	۳/۳۳	۱/۲۱	
	درصد	۹/۵	۱۳/۹	۳۱/۳	۲۴/۷	۲۰/۶			
۳. من اجباری در پرداخت مالیات نمی بینم	فرآوانی	۱۴۴	۲۰۱	۲۷۰	۱۹۵	۱۹۵	۳/۰۹	۱/۳۱	
		درصد	۱۴/۳	۲۰/۰	۲۶/۹	۱۹/۴			۱۹/۴
	به نظرم باوجود این همه ثروت ملی نیازی به اخذ مالیات نیست	فرآوانی	۲۵۰	۲۰۵	۱۷۵	۲۲۷	۱۴۸	۲/۸۱	۱/۴
		درصد	۲۴/۹	۲۰/۴	۱۷/۴	۲۲/۶	۱۴/۷		
	پرداخت مالیات فقط در شرایط بحرانی توجیه دارد	فرآوانی	۲۵۰	۲۳۵	۱۷۵	۲۴۱	۱۰۴	۲/۷۱	۱/۳۴
		درصد	۲۴/۹	۲۳/۴	۱۷/۴	۲۴/۰	۱۰/۳		
تا وقتی رانتخواری باشد تمایلی به پرداخت مالیات ندارم	فرآوانی	۱۴۴	۱۱۶	۲۶۰	۱۵۰	۳۳۵	۳/۴۱	۱/۴۱	
	درصد	۱۴/۳	۱۱/۵	۲۵/۹	۱۴/۹	۳۳/۳			
۴. دولت از مالیات برای تقسیم درآمدها استفاده میکند	فرآوانی	۲۰۵	۲۴۰	۲۵۰	۲۰۵	۱۰۵	۲/۷۶	۱/۲۷	
		درصد	۲۰/۴	۲۳/۹	۲۴/۹	۲۰/۴			۱۰/۴
	دولت به خوبی از مالیات برای توسعه کشور استفاده کرده است	فرآوانی	۳۳۸	۲۳۱	۱۹۵	۱۵۵	۸۵	۲/۴۱	۱/۳۱
		درصد	۳۳/۶	۲۳/۱	۱۹/۴	۱۵/۴	۸/۵		
	هزینه های دولتی به خوبی با استفاده از مالیات پوشش داده میشود	فرآوانی	۱۸۵	۲۴۰	۲۲۵	۱۹۲	۱۶۳	۲/۹	۱/۳۴
		درصد	۱۸/۴	۲۳/۹	۲۲/۴	۱۹/۱	۱۶/۲		

ردیف	سؤالات	کاملا موافق	موافق	بدون نظر	مخالف	کاملا مخالف	میانگین	انحراف معیار
۱	من خدماتی که بامنابع مالیاتی ارائه میشود رابه خوبی لمس میکنم	۳۰/۹	۲۱/۶	۲۳/۰	۱۳/۵	۱۱/۵	۲/۵۳	۱/۳۴
		۳۰/۷	۲۱/۵	۲۲/۹	۱۳/۴	۱۱/۴		
	مجازاتهایی گریزاز مالیات عامل پرداخت مالیات است	۱۲/۵	۱۵/۵	۲۳/۰	۲۶/۴	۲۳/۱	۳/۳۱	۱/۳۱
		۱۲/۴	۱۵/۴	۲۲/۹	۲۶/۳	۲۳/۰		
	مسائل شرعی برای من موجب اولویت درپرداخت مالیات است	۱۵/۰	۱۱/۰	۲۲/۵	۲۹/۲	۲۲/۸	۳/۳۳	۱/۳۳
		۱۴/۹	۱۰/۹	۲۲/۴	۲۹/۱	۲۲/۷		
	من عدم پرداخت مالیات رایک جرم میدانم	۱۸/۵	۱۵/۰	۲۳/۰	۱۶/۰	۲۸/۰	۳/۱۹	۱/۴۵
		۱۸/۴	۱۴/۹	۲۲/۹	۱۵/۹	۲۷/۹		
	توصیه دوستان وافرادمعروف مشوق من درپرداخت مالیات است	۲۰/۳	۱۳/۲	۳۳/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۲/۹۷	۱/۳۳
		۲۰/۲	۱۳/۱	۳۲/۸	۱۶/۹	۱۶/۹		

منبع: داده‌های پژوهش

در این قسمت نیز قدرت بهره برداری بیشترین اختلاف و قدرت صلاحیت کمترین اختلاف را با وضعیت مطلوب دارد. این نتایج مبین این مطلب است که مودیان سازمان و کارکنان آن را صاحب صلاحیت کاری لازم می دانند ولی نتایج ضعیف حاصله را در عمل، ناشی از ناکارآمدی در اعمال قدرت سازمان و کارکنان آن ارزیابی می کنند.

جداول ۴ و ۵ نیز اختلاف وضعیت موجود را با وضعیت مطلوب نمایش می دهند. طبق نتایج بدست آمده اعتمادکیفری بیشترین اختلاف و اعتماد ساختاری کمترین اختلاف را با وضعیت مطلوب دارد. یعنی مودیان کمترین اعتماد را نوع برخورد و کیفر دیدن فراریان مالیاتی داشته و از طرفی ساختار موجود را برای کار سازمان امورمالیاتی مناسب و مورد اعتماد ارزیابی می کنند.

جدول ۴. اختلاف میانگین وضعیت اعتماد

ابعاد	اعتمادسیستمی	اعتمادساختاری	اعتمادفردی	اعتمادکیفری (اعتمادمتوسل به زور)
وضعیت موجود	۳/۰۵	۳/۳۳	۳/۲۸	۲/۶۱
وضعیت مطلوب	۵	۵	۵	۵
شکاف	۱/۹۵	۱/۶۷	۱/۷۲	۲/۳۹

جدول ۵. اختلاف میانگین وضعیت قدرت

	قدرت قانون	قدرت صلاحیت	قدرت توجیه	قدرت بهره برداری	قدرت پیشگیری
وضعیت موجود	۲/۹۳	۳/۶۳	۳/۰۱	۲/۶۵	۳/۲۰
وضعیت مطلوب	۵	۵	۵	۵	۵
شکاف	۲/۰۷	۱/۳۷	۱/۹۹	۲/۳۵	۱/۸۰

و نیز پنج نوع قدرت که با نام های زیر معرفی شدند :

۱. قدرت قانون ۲. قدرت صلاحیت ۳. قدرت توجیه ۴. قدرت بهره برداری ۵. قدرت پیش گیری هریک از ابعاد قدرت و اعتماد توسط سوالات مربوط به خود در پرسشنامه تعیین و تعریف می شوند. اطلاعات زیر استخراج شده از پرسشنامه های توزیع شده می باشند : میانگین نمره های بخش اعتماد : (از ۲۰ نمره)

گونه شناسی مودیان

پس از جمع بندی و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه های توزیع شده و مشاهده نتایج حاصله حال نوبت به انجام گونه شناسی می رسد. از تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده با نخبگان چهار بعد اعتماد با نام های :

۱. اعتماد سیستمی ۲. اعتماد ساختاری ۳. اعتماد فردی ۴. اعتماد کیفری

درانتها و با توجه به اعداد و نمرات بدست آمده در جداول فوق، به تقسیم بندی مودیان مالیاتی در گونه های متناسب خود به شرح جدول شماره ۸ می پردازیم.

جدول ۸. گونه شناسی مودیان مالیاتی

نام گونه	شرح	نمره تمکین
قانون گریزان	این دسته از مودیان اعتقادی به دادن مالیات نداشته مگر در حالت اجبار یا پرداخت مالیات خارج از اختیار.	کمتر از ۱۱
مایوسان	افرادی با اعتقاد به اینکه نقشی در کشور نداشته و پرداخت مالیات را نیز خارج از اراده خود می دانند.	کمتر از ۱۲ بیشتر از ۱۱
متعهدان	افرادی که پرداخت مالیات را اساس توسعه و آبادانی کشور دانسته و علاقه به کشور را دلیل اصلی پرداخت مالیات می دانند.	کمتر از ۱۳ بیشتر از ۱۲
قانون گرایان	این دسته از مودیان مطیع قانون بوده و پرداخت مالیات را نیز به دلیل الزام قانون پذیرفته اند.	کمتر از ۱۴ بیشتر از ۱۳
مرعوبین	این دسته از مودیان تنها از ترس جریمه و کیفر عدم پرداخت مالیات حاضر به تمکین در برابر مالیات می باشند.	بیشتر از ۱۴

البته ذکر این نکته ضروریست که نام گذاری صورت گرفته برای مودیان براساس پاسخ ارائه شده توسط ایشان به سوالات پرسشنامه پژوهش بوده و نمراتی که به تبع آن این مودیان کسب کرده اند. در ادامه مشخصات و تعاریف مختص هرگونه از مودیان مالیاتی با توجه به نمرات کسب شده، به تفصیل ارائه می گردد. قانون گریزان: این دسته از مودیان کمترین نمره تمکین در برابر مالیات را دارا می باشند که با توجه به نمره کسب شده می توان گفت بجز در موارد معدودی که مالیات بصورت تکلیفی و خارج از اراده آنان پرداخت شده است و یا در معرض خطر و تحدید جرایم مالیاتی قرار گرفته اند، حاضر به پرداخت شده اند. در بررسی پرسشنامه ها افراد با مشاغل تاجر و بازرگان و دهک های درآمدی بالا بیشتر در این گونه جای می گیرند. مایوسان: این گونه از مودیان خود را اسیر سامانه های مالیاتی پنداشته و با توجه به اینکه بیشتر اعضای این گونه را افراد حقوق بگیر تشکیل می دهند، لذا بدون هرگونه دخل و تصرف مالیاتشان کسر و به حساب سازمان مالیاتی واریز می شود. اعضای این گونه معتقدند مالیات تنها از قشر ضعیف و در دسترس جامعه گرفته شده و دولت و سازمان امور مالیاتی اراده ای برای برخورد با دانه درشت ها ندارند.

اعتماد سیستمی: ۱۲.۲۳۷ اعتماد ساختاری: ۱۳.۳۵۷
اعتماد فردی: ۱۲.۸ اعتماد کیفی: ۱۰.۴
میانگین نمره های بخش قدرت: (از ۲۰ نمره)
قدرت قانون: ۱۱.۷۰۲ قدرت صلاحیت: ۱۴.۵۳۴ قدرت توجیه: ۱۲.۱۴۷ قدرت بهره برداری: ۱۰.۶۲۸ قدرت پیش گیری: ۱۲.۶۲۸

میانگین نمره تمکین به اعتماد از ۲۰ نمره: ۱۲.۲۹۸ معادل ۶۱.۴۹ درصد

میانگین نمره تمکین به قدرت از ۲۰ نمره: ۱۲.۳۶۸ معادل ۶۱.۸۴ درصد

همانطور که در جدول ۶ مشخص است با توجه به چهار بعد اعتماد و پنج بعد قدرت تعداد بیست خانه در جدول موجود است که معرف جایگاه هر فرد می باشد. هر پاسخ دهنده با توجه به بالاترین نمره ای که در پاسخ به سوالات پرسشنامه در دو بخش اعتماد و قدرت اخذ نموده است توانسته جایگاه خود را تعیین کند.

جدول ۶. تعداد افراد حاضر در هر دسته

اعتماد / قدرت	قدرت قانون	قدرت صلاحیت	قدرت توجیه	قدرت بهره برداری	قدرت پیش گیری
اعتماد سیستمی	۲۷	۹۶	۶۱	۱۰	۱۰
اعتماد ساختاری	۷۱	۱۷۶	۷۰	۰	۶۲
اعتماد فردی	۴۵	۱۷۴	۳۸	۱۲	۵۰
اعتماد کیفی	۲۴	۲۶	۳۱	۷	۱۵

جدول ۷ نیز نمره تمکین میانگین هریک از دسته های شناسایی شده را نمایش می دهد.

جدول ۷. نمره تمکین میانگین افراد حاضر در هر دسته

اعتماد / قدرت	قدرت قانون	قدرت صلاحیت	قدرت توجیه	قدرت بهره برداری	قدرت پیش گیری
اعتماد سیستمی	۱۱.۷۷	۱۲.۵۳	۱۱.۵۴	۹.۵	۱۲.۹
اعتماد ساختاری	۱۳.۲۱	۱۲.۲۳	۱۱.۷۱	۰	۱۲.۹۴
اعتماد فردی	۱۳.۰۴	۱۲.۵۵	۱۱.۶۳	۱۳.۵	۱۱.۸۲
اعتماد کیفی	۱۴.۷۵	۱۲.۷۷	۱۰.۱۳	۱۲.۵۷	۱۴.۴

نظر می رسد این گونه از مودیان که به فراریان مالیاتی نیز مشهورند، با اینکه از نظر جمعیتی نرخ پایینی دارند ولی مبالغ بسیار بالایی از مالیات کشور به دلیل کتمان و عدم شفافیت در فعالیت های اقتصادی آنان غیر قابل وصول گردیده است. آنچه از تحلیل اطلاعات بدست آمده برمی آید، اینان تنها در دو حالت مالیات خواهند داد. و آن اینکه یا قدرت سازمان به قدری بالا باشد که این گونه مودیان (که معمولاً یا خود یا حامیانشان افرادی پرنفوذ و دارای قدرت هستند) از بیم جرایم و کیفر پیش رو حاضر به تمکین شوند و یا فرآیندهای اقتصادی طوری طراحی و اجرا شوند که اساساً امکان تخلف به حداقل ممکن برسد. مانند استفاده از صندوق های مکانیزه فروش و رهگیری تراکنش های بانکی و ایجاد ساز و کارهایی به منظور جلوگیری از بوجود آمدن حسابها و کارت های بازرگانی صوری و اجاره ای. گونه دوم را مایوسان نام گذاری کردیم. پیش تر نیز دلیل این نام گذاری بیان شد، با توجه به اطلاعات بدست آمده بهترین راه مواجهه با این گونه از مودیان مالیاتی بهره گیری از قدرت توجیه و تلاش برای ایجاد و بالا بردن اعتماد کیفری از طریق مبارزه موثر با فرار مالیاتی و بستن راه های گریز از مالیات در آنهاست این گونه نه تنها دلیل چندانی برای پرداخت مالیات ندارند بلکه به دلیل عدم اعتماد به سازمان در تنبیه مودیان مالیاتی که از پرداخت مالیات اجتناب می کنند امیدی نیز به بهبود اوضاع ندارند. گونه سوم متعهدان می باشند، بیشترین طیف از مودیان که سازمان امور مالیاتی با کمی دقت و بهبود امور می تواند موجب افزایش تمکین این گونه مالیاتی گردد. طبق اطلاعات بدست آمده مودیان حاضر در این گونه مالیاتی از اعتماد به نسبت مناسبی برخوردارند اما آنچه موجب کسب نمره پایین در آنان شده یکی ابهام در قانون و آیین نامه هاست و دیگری نیز پایین بودن قدرت توجیه سازمان در دفاع عملکرد خود می باشد. ناگفته پیداست که سازمان امور مالیاتی می تواند با کاهش پیچیدگی های قانون و پالایش آیین نامه ها از ابهام و جلوگیری از سلیقه گرایی توسط کارمندان و نیز حذف قوانین و آیین نامه های اضافی و گاهی موازی و حتی در مواردی خلاف هم، در جهت رضایتمندی این گونه از مودیان گام بردارد. البته تلاش در جهت توجیه مودیان و دفاع از اقدامات سازمان و ارائه گزارشات منظم از اقدامات موثر انجام پذیرفته در راستای مبارزه با فرار مالیاتی و نحوه و میزان هزینه کرد مالیات وصول شده در کشور گامی موثر در افزایش میزان تمکین این گونه از مودیان می تواند باشد. گونه چهارم قانون گرایان نامیده شدند. اینان برخلاف گونه سوم، قانون را ملاک عمل خویش می دانند و اساساً سازمان امور مالیاتی، مالیات و کارکنان آن را نیز به خاطر ایجاد توسط قانون مقبول نظر خود دارند. این گونه از مودیان نیز به نحوه مبارزه سازمان با فراریان

متعهدان: اعضای این گونه افرادی خوش بین به آینده و علاقه مند به کشور خود می باشند. این افراد مالیات را راهی برای آبادانی و توسعه کشور می دانند. اما آنچه باعث شده تا این گونه نمره تمکین متوسط رو به پایین داشته باشند، اعتقاد آنها به وجود خلا های قانونی متعدد و عدم کارایی قانون موجود (در متن و اجرا) و سازمان امور مالیاتی در جلوگیری از فرار مالیاتی می باشد.

قانون گرایان: افراد حاضر در این گونه افرادی با روحیه دموکراتیک و قانون مدار می باشند. آنها این اصل از قانون اساسی را که "مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون" را نصب العین خویش نموده و افراد و ساختار را نیز در همین را مقبول می دانند. عدم توجیه مناسب در برابر آیین نامه ها و برخی برداشت ها از قوانین و نیز سرخوردگی از کیفر دیدن فراریان مالیاتی موجب کم شدن نمره تمکین آنان گردیده است.

مرعوبین: گونه ای از مودیان مالیاتی که بالاترین نمره تمکین در برابر مالیات را کسب نموده اند. اعضای این گونه مرعوب قدرت سازمان امور مالیاتی بوده و پرداخت مالیات را از بیم جرایم و کیفر پیش بینی شده در قانون انجام می دهند. مشاغل خرد و آزاد، معمولاً در این گونه دسته بندی می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

همانطور که مشاهده شد مودیان مالیاتی در پنج گونه قانون گریزان، مایوسان، متعهدان، قانون گرایان و مرعوبین دسته بندی و جای گذاری شدند. اما سوال مهم و کلیدی اینجاست که این گونه ها به چه کاری می آیند و اساساً چرا این نوع دسته بندی و تلاش برای شناخت گونه ها اهمیت دارد؟ آنچه در این پژوهش هدف و انگیزه مطالعه قرار گرفته است انجام گونه شناسی به منظور کمک به تصمیم سازان سازمان امور مالیاتی کشور در جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی در سطح کلان و مدیریتی در جهت بهبود امور محوله و تلاش برای رسیدن به اهداف سازمان امور مالیاتی و نیز رضایت نسبی مودیان و افزایش تمکین آنان در برابر پرداخت مالیات می باشد. این مهم اجرایی نخواهد شد مگر آنکه مدیران ارشد سازمان امور مالیاتی جایگاه مودیان خود را دانسته و نیز تحلیلی درست از میزان تمکین آنان در مواجهه با قدرت و اعتماد بدست آورند. همانطور که اشاره شد پس از انجام فرآیند جمع آوری و تحلیل اطلاعات از مودیان، به معرفی پنج گونه رسیدیم که شرح و مشخصات آنان را بیان کردیم. گونه نخست قانون گریزان می باشند، همانطور که در جداول شماره ۳ و ۴ مشخص است، تنها در موارد اندکی حاضر به تمکین در برابر مالیات می شوند البته آن هم به زور و خارج از اختیار. به

مالیاتی معترضند. به همین دلیل اعتمادی به عزم سازمان در مواجهه با مالیات گریزان ندارند. البته این گونه مودیان دلخوشی هم از سامانه های سازمان نداشته و همواره گلایه هایی از عدم کارایی و عملکرد جزیره ای و نیاز به ورود اطلاعات بصورت چندباره را دلیل نارضایتی خویش اعلام می کنند. پرواضح است که تلاش موثر در جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق آنچه پیش تر گفته شد و نیز تلاش در جهت یکپارچه سازی و بهبود کارایی سامان های نرم افزاری می تواند موجب افزایش میزان تمکین این گونه مالیاتی گردد. و در نهایت گونه پنجم مرعوبین نام گرفتند. مودیانی که همواره از بیم جریمه شدن در نظام مالیاتی حاضر به تمکین در برابر مالیات می شوند. با اینکه این دسته از مودیان بیشترین نمره تمکین را کسب نموده اند ولی ناگفته پیداست که این نوع پرداخت مالیات در شرایطی که اعتماد در حداقل می باشد بسیار شکننده بوده و مودیان در نبود یا سستی در نظارت سازمان امور مالیاتی و یا حتی یافتن راهی برای فرار از پرداخت مالیات درنگ نخواهند کرد. پس بهتر مدیران ارشد سازمان قبل از اینکه این گونه از مودیان به فکر یافتن راه های فرار کم خطر و بی سر و صدا بی افتند، اقدامات موثری را در جهت توجیه و جلب اعتماد آنان نمایند تا پرداخت مالیات تنها به دلیل ترس از کیفر احتمالی پیش رو نباشد. همانطور که مشاهده شد، نتایج بدست آمده در این پژوهش توسط چارچوب موسوم به شیب لغزان که توسط کرچلر و همکاران (۲۰۰۸) معرفی گردیده است تایید می گردد. طبق این چارچوب کاهش قدرت در مدیران و اعتماد مودیان نسبت به مقامات سازمان امورمالیاتی، به کاهش تمکین مودیان مالیاتی در قبال پرداخت مالیات خواهد انجامید. نکته ای که به وضوح می توان در نتایج حاصله مشاهده کرد. اما همانطور که گنگل و همکاران (۲۰۱۵) بیان می دارند قدرت و اعتماد تنها باعث ضعف یکدیگر نمی شوند و در مقاطع بسیاری می توانند همدیگر را نیز تقویت نمایند. این نکته نیز در گونه های معرفی شده ملموس است. مشخص است گونه ای که اعضای آن دارای اعتماد پایینی به مقامات هستند به دلیل ترس از کیفر پیش رو (احساس قدرت مقامات) حاضر به تمکین در برابر مالیات می شوند و گونه هم که دارای نمره قدرت پایینی است به دلیل بالا بودن (نسبی) نمره اعتماد نمره تمکین مناسب تری را اخذ نموده است. اما متأسفانه یا خوشبختانه نتایج حاصله در این پژوهش در راستای مطالعات صورت گرفته توسط گروه پژوهشی باترانسیا و همکاران (۲۰۱۶) در زمینه کمبود اعتماد و قدرت در کشورهای خاورمیانه می باشد. آنچه که توسط این گروه پژوهشی انجام گرفت مبین این

نکته است که در کشورهای حوزه خاورمیانه کمبود اعتماد به دولت و مقامات دولتی و نیز خلا قانونی جامع و شفاف، موجب سرباز زدن مودیان از تمکین در برابر مالیات خواهد شد، نکته ای که به وضوح در نتایج حاصله در این پژوهش نیز مشهود است. لیزی^۱ (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود بهترین وضعیت را برای سازمان امور مالیاتی زمانی می داند که مودیان آن به اعتماد حداکثری دست یافته و سازمان نیز قدرت متعادل و منطقی خود را در حالت بهینه آن اعمال نماید. این خلا حاصل از اعتماد و قدرت، همان علت نمره پایین تمکین در پژوهش حاضر می باشد. اما علت این امر که چرا وقتی قدرت ادراک شده از سازمان امورمالیاتی کشور برای گونه ای مانند گونه "مرعوبین" بالاست، بازهم نمره تمکین مودیان آن گونه چندان مطلوب نمی شود را می توان توسط پژوهش تسیکا (۲۰۱۷) مورد تایید و بررسی قرار داد، جایی که این پژوهشگر بیان می دارد که مطابق چارچوب شیب لغزان، اعتماد و قدرت یکدیگر را تعدیل می کنند: هر چه اعتماد پایین تر باشد، تأثیر قدرت بر افزایش تمکین بیشتر می شود. اما با افزایش اجبار، اثر مثبت کاهش می یابد و سیاست های بازدارندگی شدید در نهایت ممکن است به تمکین مودیان مالیاتی آسیب برساند. آسیبی که در پژوهش حاضر مشهود است. نتایج تحلیل نتایج داده های جمع آوری شده در پژوهش حاکی از آن بود که میانگین قدرت و اعتماد عدد بسیار بالایی ندارد (به ترتیب ۳/۶۳ و ۳/۳۴ از ۵ نمره) به این معنی که به طور کلی می توان اظهارداشت که قدرت دستگاه مالیاتی و نیز اعتماد به دستگاه برای پرداخت مالیات کم بوده و متقابلاً نیز تمکین مودیان در برابر پرداخت مالیات کم است. لذا سازمان امور مالیاتی می بایست با جدیت بیشتری نسبت اصلاح قوانین و مقررات مربوطه و تعامل بیشتر با مودیان خود در جهت ایجاد اعتماد و جلب رضایت آنان بکوشد. مشخصاً با وضع و اصلاح پاره ای از قوانین، گسترش مالیات الکترونیک، حذف فرآیندهای اضافی، اتکا به منابع اطلاعاتی دقیق، کاهش مراجعه حضوری مودی و نیز حذف امضاهای طلایی علاوه بر تقویت قدرت سازمان و جلوگیری از فرار مالیاتی با ایجاد عدالت و روحیه همکاری می تواند نسبت به افزایش تمکین مودیان نیز تلاش کند. با نیل به این مهم سازمان میتواند نتایج بسیار مهمی همچون بهبود روابط با مؤدیان مالیاتی و افزایش رضایت عمومی، کم شدن فضای متشنج و ایجاد فضایی وحدت آفرین، افزایش خود اظهاری مؤدیان همزمان با رشد اعتماد آنان به سازمان و مدیران آن، افزایش تمکین و قبول مالیات از سوی مؤدیان، کاهش هزینه های وصول و مطالبه مالیات، کاهش فرار مالیاتی، تخلف و انواع فساد

¹. Lisi

موردی شهرک صنعتی سمنان). پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۴۹): ۷-۳۲

* قرنجیک، اسماعیل؛ ضیالدینی، محمد؛ هادوی نژاد، مصطفی (۱۳۹۹)، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات با استفاده از روش تاپسیس فازی. پژوهشنامه مالیات. ۲۸ (۴۶): ۱۲۸-۱۰۳

* قرنجیک، اسماعیل؛ ضیالدینی، محمد؛ هادوی نژاد، مصطفی (۱۴۰۰)، نگاشت شناختی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت در پرداخت مالیات. چشم انداز مدیریت دولتی، ۱۲ (۳)، ۵۷-۷۶.

* قلی، باقر؛ انتظاری نجف آبادی، علیرضا؛ شریعتی فرانی، سعید (۱۴۰۰)، مبانی مسئولیت مدنی مأموران مالیاتی. پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۴۹): ۱۵۸-۱۳۹.

* کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیاد نظریه های اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

* محمدی احمدآبادی، زهرا؛ درویشی، باقر (۱۳۹۹). بررسی کارایی نظام مالیاتی ایران با تأکید بر شنآوری و کشش مالیاتی. فصلنامه علمی نظریه های کاربردی اقتصاد، ۷ (۲)، ۲۶-۱.

* درویشی، باقر. (۱۳۹۹). بررسی کارایی نظام مالیاتی ایران با تأکید بر شنآوری و کشش مالیاتی. فصلنامه علمی نظریه های کاربردی اقتصاد، ۷ (۲)، ۲۶-۱.

* مجیبی فر، محمدصادق (۱۳۹۰)، حقوق و تکالیف متقابل مودیان ودستگاه های مالیاتی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل).

* مطهری منش، مهدی؛ خسروی، حسن؛ میرزاده کوهشاهی، نادر (۱۴۰۰)، آسیب شناسی حقوقی نظارت دادستان انتظامی مالیاتی بر رفتار مأموران مالیاتی. پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۵۱): ۱۲۷-۹۹

* نظری، علیرضا؛ فدایی، ایمان (۱۳۹۲)، آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران. سیاست های مالی و اقتصادی، ۴ (۱)، ۹۵-۱۱۰.

* وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی (۱۴۰۰)، مطالعه پشتیبان طرح تحول نظام مالیاتی کشور. www.mefa.gov.ir

* وکیلی، شروین (۱۳۸۹)، نظریه قدرت، نشر شورآفرین، چاپ یکم

* هراتی، اشکان؛ حسین پور، داود؛ کاملی، محمد جواد؛ حمیدی، ناصر (۱۴۰۰)، تدوین مدل سیاست گذاری مالیاتی مبتنی بر چارچوب نهادی. پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۵۱).

اقتصادی، جلوگیری از اعمال قدرت و سلیقه شخصی در امرتشخیص و وصول مالیات (به دلیل آنچه که استفاده از قدرت قانون و مرجع نامیده میشود) و در نهایت افزایش فرهنگ مالیاتی و پرداخت مالیات توسط مودیان بر توسعه و رشد اقتصادی کشور و قطع انواع وابستگی به منابع غیر پایدار، همچون فروش انواع سوخته های فسیلی را فراهم آورد.

فهرست منابع

* باریکانی، علی، ۱۴۰۰، تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم. ماهنامه امنیت اقتصادی، دوره: ۹، شماره: ۷

* بنار، نوشین؛ براخاص، حسین؛ کریمخان، فرزانه؛ مرادی، محمد (۱۳۹۷)، اثر بازاریابی حسی بر نیت رفتاری مشتریان از طریق لذت جویی، دلبستگی به مکان و اعتماد (مطالعه موردی: مدارس فوتبال شهر کرمانشاه)، مطالعات رفتار مصرف کننده، ۵ (۱): ۲۱-۳۵.

* ثنائی پور، هادی (۱۳۹۹)، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در کسب و کارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه ای آمیخته. پژوهشنامه مالیات. ۲۸ (۴۷): ۳۰-۷

* دانش شهرکی، محمدرضا (۱۴۰۰)، رویکردهای مواجهه با جرم فرار مالیاتی در نظم کیفری کنونی: مطالعه موردی پدیده شرکت های کاغذی. پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۴۹): ۳۳-۶۰.

* سنجرى، نادر؛ یاراحمدی، فتنه؛ بلوچی، حسین (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر جامعه برند مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر بشارت برند از طریق تقویت اعتماد به برند. مطالعات رفتار مصرف کننده، ۷ (۲)، ۲۴-۴۷.

* سنجرانی، طوبی (۱۴۰۰)، بررسی عوامل مؤثر بر تسهیل در پرداخت مالیات توسط مودیان مالیاتی و شناسایی عوامل موجود. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵ (۵۴)، ۱۰۴-۱۲۵.

* عامری، ریحانه؛ میرقاسمی، سیدجواد؛ رستمی، ولی (۱۴۰۰)، الگوی مطلوب ضمانت اجراهای مالیات ستانی در پرتو اصول به زمامداری. فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، ۳ (۹)، ۸۸-۱۱۰.

* عبداللهی، حسین (۱۳۹۹)، تشخیص مالیات براساس تراکنش های بانکی در نظام حقوقی ایران. پژوهشنامه مالیات. ۲۸ (۴۸): ۸۲-۶۱

* عسگری، حشمت اله؛ روزی طلب، آناهیتا؛ منصوری، امیر (۱۴۰۰)، تحلیل رفتاری تمایل به پرداخت مالیات (مطالعه

- * Alstadsæter, A., Johannesen, N., Herry, S. L. G., & Zucman, G. (2022). Tax evasion and tax avoidance. *Journal of Public Economics*, 206, 104587.
- * Batrancea, L., Nichita, A., Batrancea, I., & Kirchler, E. (2016). Tax compliance behavior: An upshot of trust in and power of authorities across Europe and Mena. In *Handbook of research on public finance in Europe and the MENA region* (pp.248-267). IGI Global.
- * Damayanti, T. W., & Martono, S. (2018). Taxpayer Compliance, Trust, and Power. *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, 22(2), 231-239.
- * Faizal, S. M., Palil, M. R., Maelah, R., & Ramli, R. (2017). Power and Trust as Factors Influencing Tax Compliance Behavior in Malaysia. *Asian Journal of Accounting and Governance*, 8, 79-85.
- * Feld, L., & Frey, B. (2005). Illegal, immoral, fattening or what?: How deterrence and responsive regulation shape tax morale. In C. Bajada & F. Schneider (Eds.), *Size, causes, and consequences of underground economy. An international perspective* (pp. 16–37). Aldershot: Ashgate
- * Gangl, K., Hofmann, E., & Kirchler, E. (2015). Tax authorities' interaction with taxpayers: A conception of compliance in social dilemmas by power and trust. *New Ideas in Psychology*, 37(0), 13–23.
- * Hana, P., & Vitezić, V. (2022) Tax Compliance Challenge Through Taxpayers' Typology. Available at SSRN 4060768.
- * Hobbes, Thomas (2010) *Leviathan*. Boom
- * Kirchler, E. (2007). *The economic psychology of tax behavior*. Cambridge: Cambridge University Press.
- * Kirchler, E., Hoelzl, E., & Wahl, I. (2008). Enforced versus voluntary tax compliance: The “slippery slope” framework. *Journal of Economic Psychology*, 29(2), 210-225.
- * Lisi, G. (2014). The interaction between trust and power: Effects on Tax compliance and macroeconomic implications. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 53, 24-33.
- * Liu, G., Liu, Y., & Zhang, C. (2022). Tax enforcement and corporate employment: Evidence from a quasi-natural experiment in China. *China Economic Review*, 101771.
- * Muehlbacher, S., Kirchler, E., & Schwarzenberger, H. (2011). Voluntary versus enforced tax compliance: Empirical evidence for the “slippery slope” framework. *European Journal of Law and Economics*, 32(1), 89-97
- * Nietzsche, Friedrich Wilhelm (1999). *The will to power*. Translated by Zoya Monjem, Nazar Institute
- * Ritzer, George (1992) *Contemporary sociological theory*. McGraw-Hill
- * Tsikas, S. A. (2017). Enforce tax compliance, but cautiously: The role of trust in Authorities and power of authorities (No. 589). *Hannover Economic Papers (HEP)*.
- * Siglé, M. A., Goslinga, S., Speklé, R. F., & van der Hel, L. E. (2022). The cooperative approach to corporate tax compliance: An empirical assessment. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 100447



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 14/ No. 53/ Spring 2024

Investigating the behavior of taxpayers through typology based on the analysis of power-trust relations

Reza Hashemi

Ph.D student in business administration, majoring in marketing, Azadi Campus, Yazd University, Yazd, Iran
reza.hashemi.110@gmail.com

Mahmoud Nadari Bani

Assistant Professor, Faculty of Economics, Management and Accounting, Department of Business Administration, Humanities and Social Sciences Campus, Yazd University, Yazd, Iran (corresponding author)
m.naderi@yazd.ac.ir

Mehdi Sabok Ro

Associate Professor, Faculty of Economics, Management and Accounting, Department of Business Administration, Humanities and Social Sciences Campus, Yazd University, Yazd, Iran
msabokro@yazd.ac.ir

Abstract

The main goal of this research is to determine a mechanism to quantify and calculate the compliance score of taxpayers when faced with the components of power and trust. In the current research, a mixed survey method (quantitative and qualitative) was used to collect information. For this purpose, firstly through in-depth semi-structured interviews with elites in the field of economics, the categories of trust and power were extracted, and then, using the results of the qualitative part, a quantitative questionnaire was designed, then from all the taxpayers referring to the tax administrations of the country. 1005 people were randomly selected and information was collected through a written questionnaire. that after formal validity with the help of experts, reliability has been confirmed with the help of Cronbach's alpha. Inferential statistics and mean frequency analysis were used to analyze the research data. The results of the analysis indicated that the average power and trust are not very high (3.63 and 3.34 out of 5 points, respectively), so it can be stated that the application of the power of the tax system and trust in that system is in line with the goal of paying taxes. It is unlikely that this will lead to a decrease in taxpayers' compliance with taxes. Therefore, at the end, solutions are presented in order to improve the compliance score, as the most important interactive behavior of people with the tax affairs organization. In this research, for the first time in Iran, taxpayers of the tax affairs organization with common characteristics have been identified and categorized into five types, and in addition to announcing the indicators of each type, the reasons for the position of taxpayers and the necessary measures to improve them have also been discussed.

Key words: power, trust, taxpayers' behavior, tax compliance, taxpayers, typology

